

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۰ هـ.ق - ده شب در کربلا)

۲۶ شهریور ۹۷

خطبه‌ی شب هفتم

شکر نامی است که پروردگار عالم مخلوقات خویش را به آن مزین فرمود تا جانشان در پرتوی این نام از حصار خودبینی خارج گردد و بتواند به دریای محبتی متصل شود که همواره چون سایه‌ای به دنبالش در حرکت است و شکر و سپاس پروردگار یکتا را سزااست که فرمود: من شما را از صلصال خشک آفریدم، در هیچ مکانی و در کنار هیچ عملی طاقت ماندن ندارد جز در مکان اولیة‌اش که خالقش فرمود: سنگ از خوف من بر روی در می‌افتد ولی خاک انسان آن‌چنان سخت شد که جز متلاشی کردنش چاره‌ی دیگری برای خود باقی نگذاشت.

توصیفی زیباست از فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) که: انسان چه ظلمی در حق خود نموده با وجود لطف و رحمت پروردگار در خلقتش و در غربت زمینش چون سایه خنکی و آغوش گرمی به دنبالش در حرکت است را به آتشی سوزاننده در وجودی که از خاک نرم ساخته شده را به سنگی سفت‌تر از سنگ خارا بدل می‌کند. این ظلم به خود را نفس اماره‌اش که شیطان برایش آراسته را خیر و صلاح می‌داند و هر لحظه دلش سخت‌تر و بینایی باطنش کم سوتر می‌شود و به جهالتی مبتلا می‌گردد که حق را باطل و باطل را حق تصور کرده و خدایش را خود ساخته و پیامبرش را خود بر می‌گزیند و کتابش را دست نویس کرده و به سلیقه‌ی خود اطاعت و عبادت می‌کند.

این جهالت را چه زیبا اباعبدالله (ع) در کربلا از درون‌ها بیرون آورد و به نمایش تاریخ گذاشت. جاهلینی که به جنگ و کشتن امام عصرشان با فریاد الله اکبر به میدان می‌آمدند و می‌خواستند با نیروی حق، حق را بکشند. همان‌گونه‌ای که فرزندان‌شان در عصر حاضر در مسجدالحرام و مسجد پیامبر و در کنار قبر پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) نمازی را می‌خوانند که نفسشان ساخته و لقلقه‌ی زبان است نه خیرالعمل. نمازی

که بهترین عمل‌هاست بدون ولایت کامل نیست چون این دستور قرآن کریم است که فرمود: من دین را در جانشینی رسالت کامل کردم، پس نماز بدون ولایت شبی تاریک و طوفانی است.

سردمداران کور دل و منافق آن در کنار ترک کعبه و منبر و قبر پیامبر (ص) می‌ایستند و چون دست ناپاکشان به امام عصر (عج) نمی‌رسد فتوا به کشتن شیعیانش می‌دهند و سربازان و مزدوران جاهلشان به پیروی از آنان با فریاد الله اکبر سر شیعیان را می‌برند و رسوایی زندگی ننگینشان را بیشتر می‌کنند و مشت بر آهن می‌کوبند چون وعده‌ی الهی است، همیشه حق پایدار و باطل رفتنی است. در این مورد فرموده‌ی گهربار سرور عالمیان را نقل می‌کنیم که فرمودند: فرزندان رسول خدا (ص) میراث بران مقام هدایت و ولایت هستند و امتشان در کنار این ودیعه‌ی الهی نوشنده‌ی این فضل و رحمت. آنانی که جام جانشان از این طعام الهی لبریز شود هرگز به تشنگی و گرسنگی قیامت مبتلا نمی‌شوند و جام جانشان از فضل و رحمت تهی نمی‌گردد و برهوت زمین به باغی زیبا بدل می‌شود و هجران مولایشان به نزدیکی تحقق می‌یابد، پس طالب این مقام باشید تا تنهایی معنایی نداشته باشد.

حال به اذن الله و به اذن رسول الله و به اذن مولانا اباعبدالله (ع) خطبه‌ی شب هفتم ده شب در کربلا را قرائت می‌کنیم:

## بسم الله الرحمن الرحيم

### خطبه‌ی شب هفتم

سلام بر خالقی که بندگان خویش را به رحمتی واسعه فرا خواند و اجازه فرمود تا جان مخلوقاتش با آن در آمیزد اینک در شب هفتم محرم این بارش آن چنان زیباست که نهال‌های در غلاف مانده سر از خاک بر می‌آورد و زمین‌های تشنه سیراب می‌شود.

زمزمه‌ای شیرین از دیداری با شکوه به بطن جان‌ها القا می‌شود و عطری دل‌نشین صحرا را در آغوش می‌گیرد؛ لحظات، شاهد اسرار سینه‌هاست تا واقعه‌ای را در خود جای دهد که زمین و آسمان از دیدنش متحیر است؛ با تاریکی صحرا جان‌های منتظر

به آرامگاه خویش می‌رود تا باز صبح دیگری را آغاز کند. امشب آرامش شب‌های گذشته را ندارد؛ سر و صدای گم‌گشتگان راه حق دل هر حق‌جویی را به غمی خاص مبتلا نموده. وای بر امتی که با نام پیامبرشان به عبادت بر می‌خیزند و سر را بر خاک اطاعت پروردگار می‌گذارند و در مقابل جانشین رسولشان صف آرایی کرده و به جنگ می‌پردازند. این دشمنی قطع رگ حیاتشان است. آنان برای دروی محصول عمرشان به این مکان آمده‌اند؛ زراعتی که بذرش را شیطان به جانشان پاشیده است تا میوه‌ای که از غلافش خارج می‌شود همان‌گونه که وعده‌ی پروردگار است تلخی‌اش جاودانه باقی بماند و شما که مهمان این صحرای حق علیه باطل هستید شگفت زده به آنان می‌نگرید. بر سر عقل‌هایشان چه آمده؟ با طلوع و غروب در کنار یکدیگر می‌ایستند و نماز جماعت را که سنت پیامبرشان است را با امام جماعتی که به جنگ حق آمده اقامه می‌کنند و ساعتی بعد از نماز به قرائت قرآن می‌پردازند؛ صدای صوت آیات الهی طنین انداز صحرایی است که با نفرت به آنان می‌نگرد و چشمان زمان از بستر خویش به این صحرا مهاجرت نموده تا واقعیت ماندن و یا رفتن را خود نظاره‌گر باشد. اینک آمده‌اید تا واقعیت حق را بشناسید.

آنان که در چادرها آرمیده‌اند برای حاصل حرکتشان در معمای اطاعت سر در گم شده‌اند؛ وحشت برق شمشیرها آرامششان را گرفته است پس شب و روز تفاوتش را از دست داده و وحشت جای خویش را به آرامشی که همواره جان انسان به آن محتاج است. این احساس غریب برای آیندگانی که تماشاگر این واقعه‌ی عظیم هستند اعلام دوستی و حمایت از خاندان پیامبر است و گریستن بر جان‌هایی که ماندند تا زبانشان را زمان همراهی کند و بیعتشان سرمشق حق جویان زمان شود. پس مهمانی رو به اتمام است و من شاهد چهره‌هایی که توان دیدن این صحنه‌های بی‌مانند را ندارد؛ گوشش سروده‌هایی را که در محبت عاشورائیان است می‌شنود؛ سینه‌اش تنگ می‌شود؛ دستش این سینه را یاری می‌کند تا ندایی با کوبیدنش بیرون بیاید و زبانی که هر شب جانش را با من تقسیم می‌کند. جانم حسین جان، گفتش زیباست؛ زبان، جان‌الستش را فدای حق می‌کند؛ حرارتش ضامن عملی خواهد شد که زبانش گفته است پس شمشیرهایتان را آماده کنید؛ باطل به درونتان خواهد چرخید تا با سر و صدایش از

میدان حق بگریزید؛ اگر قادر به زدن گردنش نشوید او شما را عبرت تاریخ خواهد کرد  
پس با گامی استوار دست مولایتان را در حمایت جانتان رها نکنید و همواره او را  
بخوانید تا آغوش گرمش را حس کنید.

**اللهم عجل لوليک الفرج**

www.rayatolhoda.com